

BR
۱۳۸
کلیسای مسیح در ادوار تاریخی؛ با ملاحظات در زمینه پیدایی
الاهیات رهایی بخش در عصر بحران فرهنگ جدید /
محمد مددیور - آبادان؛ پرسش، ۱۳۸۴
۱۴۴ ص.

ISBN: 964 - 8687 - 03 - x

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.
۱. مسیحیت -- تاریخ
۲. مسیحیت -- تاریخ --
کلیسای اولیه. الف. عنوان

۳۷۰

۱۳۸۴

۷۷ - ۹۳۴۹ م

کتابخانه ملی ایران

کلیسای مسیح

در ادوار تاریخی

با ملاحظات در زمینه‌های پندایی الهیات
رهایی‌بخش در عصر بحران فرهنگ جدید

اثر :

محمد مددی‌پور



نشر پرسش

محمد مددپور

کلیسای مسیح

در ادوار تاریخی

حرف‌نگاری: نگار

نمونه‌خوانی / صفحه‌آرایی و

نسخه‌برداری: کارگاه نشر

چاپ: چاپخانه ورامینی

شمارگان: ۵۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۴

شابک - x - ۰۳ - ۸۶۸۷ - ۹۶۴

ISBN: 964 - 8687 - 03 - x

قیمت: ۱۳۰۰ تومان

نشر پرسش، آبادان - بریم - میدان الفی - ساختمان آروند - تلفن ۳۳۳۵۰۲۵

شانی مکانبات: نشر پرسش - اصفهان - صندوق پستی ۳۱۶ - ۸۱۷۳۵

E-mail: porsesh @ hotmail.com

فهرست مطالب

پیشگفتار ۷

درآمد: چهار صورت تاریخی ۱۱

باب اول

دوره اول کلیسا: دوره پاگانیزم (شرک) و کاسمولوژیسم یونانی- رومی ۱۵

۱. بحران یونانیت و ظهور مسیح (ع) ۱۷

۲. کلیسای فقر و فقیران و «محبت و مساوات» ۲۰

۳. کلیسای ثروت و ثروتمندان و «الهیات مسیحی» ۲۳

۴. کلیسای کاتولیک رومی و اُرتدکس شرقی ۲۵

۵. ملاحظات دربارۀ «جهاد و جنگ» و «ثروت» در تعلیمات -

اناجیل و عهد جدید ۲۸

باب دوم

دوره دوم کلیسا: دوره تثلیث (خدامداری) و تنولوژیسم مسیحی ۳۵

۱. غلبۀ قطعی و رسمیت دین عیسوی ۳۷

۲. مرجعیت دینی و دنیوی کلیسای کاتولیک در قرون وسطی ۳۹

۳. اصالت مسائل آن جهانی در کلیسای قرون وسطی ۴۰

۴. پایان قرون وسطی ۴۱

۵. جنگ های صلیبی و دادگاه تفتیش عقاید ۴۳

۶. احیاء مبانی مسیحیت با رُهبانیت و رجوع به زندگانی فقیرانۀ مسیح ۶۲

باب سوم

دوره سوم کلیسا: دوره اومانیسیم (بشرانگاری) و فرهنگ دنیوی جدید

- غرب ۸۵
۱. نهضت رنسانس و اصالت حیات دنیوی ۸۷
۲. تحولات کلیسای سه قرن بسط رنسانس - رفرماسیون: ۹۰
- ۱-۲. تحولات سیاسی: جدایی سیاست از دیانت و طرد تشوکرایی یا حق مرجعیت دینی و دنیوی کلیسا ۹۰
- ۲-۲. تحولات اعتقادی: طرد معارف و الهیات و آداب قرون وسطایی
- کلیسا - نهضت اصلاح دین ۹۵
۳. رفرمیسم، اصلاح دائم التزاید و فرق نوظهور در خارج از کلیسا ۱۰۰
۴. تمامیت استقرار فرهنگ جدید و منحل شدن تفکر دینی در اومانیسیم ۱۰۵
۵. دوران بحران عمومی فرهنگ و تمدن جدید ۱۱۱
۶. کلیسا و دیانت در عصر بحران عمومی جهان بعد از دو جنگ بزرگ ۱۱۴
۷. تعلیمات کلیسای رسمی در پایان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم
- و فرق نوظهور یهودی - مسیحی ۱۱۸
۸. کلیسای جدید و نظام جهانی سرمایه داری ۱۲۱
۹. کلیسای جدید و جنگ و جهاد ۱۲۴
۱۰. الهیات رهایی بخش ۱۳۳
- آخرین کلام ۱۴۱

پیشگفتار

تحقیق در باب موضوعاتی که به نحوی رجوع به مبادی و حقایق می‌کنند که صورت تاریخی دارند؛ مقتضی طرح تاریخچه‌ای از آن موضوع است.^۱ طرح چنین تاریخچه‌ای نمی‌تواند بی‌توجه به مبانی نظری تمدن و فرهنگی باشد که بشر در هر دوره تاریخی در آن به سر می‌برد، چه خود آگاهانه و چه ناخود آگاهانه. مورخ و مؤلف در چنین تاریخچه‌ای، این مبانی و اصول را در تألیف و تاریخ‌نگاری خویش اعمال می‌کند.

در عصر حاضر، اصلی که بیش از همه اصول در مطالعات تاریخی در حکم اصل‌الاصول اخذ شده است، عبارت است از ترقی و تقدّم تاریخی حوادث و مفاهیم و علوم و دیگر امور امروزی و متأخر نسبت به امور دیروزی و متقدّم. این نحو تفسیر تاریخی، در حقیقت غالباً با غفلت از شأن حقیقی علوم و مفاهیم در ادوار تاریخی همراه است. به دنبال این

۱. دیگر مسائل و موضوعات نیز در حقیقت به نحوی تبعیت از صورت نوعیه تاریخی می‌کنند. مفاهیم و الفاظی که در این مسائل و موضوعات اعم از انسانی و غیر انسانی طرح شده است در حقیقت اسم‌الاسماءند و به ازای اسمی موضوع، و اثر وضعی خاصی را بنابر تجلیات لاتکرر اسماء الله دارا هستند، اعم از نجات و ضلال، خلاصه اینکه همه مسائل و موضوعات واجد صورت نوعیه تاریخی‌اند.

غفلت، همه علوم به یک ریشه برده می شود که آن هم انسان و ادراکات اوست. بی توجه به اینکه مفاهیم علمی همه تبعیت از تلقی ادواری بنابر صورت نوعیه غالب در هر عصری می کنند که در آن تکوین یافته اند. به طوری که در هر دوره تاریخی علوم، با مبدأ و مقصد خاصی مورد تعرض قرار می گیرند. بدین تفصیل که اهل نظر در ادوار مختلف ماهیتی یکسان برای تاریخ و علوم قائل نمی شوند و در هر دوره غایت هر کدام را امری دیگر می دانند، چنانچه در دوره جدید غایت علم، قدرت و سیطره و استیلاست و در دوره قدیم غایت این دو، رستگاری و نجات و عبرت بوده است.

با این مقدمات، نگارنده از این اصل عمومی تفسیر تاریخی که همه امور و اشیاء را تابع تقدم و ترقی تاریخی و زمان فانی طبیعی تلقی می کند، دور شده و عدول کرده است و به نظریه ادوار تاریخی که مقابل نظریه تقدم و ترقی است، روی آورده. این نظر که اصل الاصوله نگاه تاریخی ادیان و ملل به عالم و آدم و مطابق اصل همه موجودات را ثابت گرفته و برای انسان و آثار انسانی از جمله اعمال و افعال و اقوال، در ضمن قول به اصل ثابت و تمکن قائل به تلون تاریخی بنابر مظهریت بالفعل نسبت به اسمی است که در هر دوره از ادوار تاریخی حاکم است. اما ادوار تاریخی، و از آنجا بحث اسماء و صور نوعیه — که بحث ادوار تاریخی بر آن مبتنی است — خود نیاز به مباحث مقدماتی دارد که در این مختصر مجالی برای طرح آن نیست. لکن نگارنده قبلاً متعرض آن شده است^۱، اما در اینجا نکته ای اساسی را باید متذکر شد و آن بحثی است که در کتاب حاضر از آن ابتداء کرده ایم و آن صورت شناسی یا علم الاسماء تاریخی است. این بحث در حقیقت همان نظریه ادوار تاریخی است که

۱. رجوع شود به حکمت معنوی و ساحت هنر از راقم این سطور.

مطابق آن همه مفاهیم تاریخی تابع صور نوعیه تاریخی‌اند که در ادوار مختلف در تمام شئون غلبه پیدا می‌کنند و امور را به رنگ خویش درمی‌آورند. بر این اساس در طرح تاریخ کلیسای مسیح به صورت و اسم تاریخی مسیحیت رسی توجه تام و تمام شده است، از اینجا بعضی مفاهیم و تحولات کلیسایی را مبتنی بر صور تاریخی سه‌گانه اجمالاً شرح کرده‌ایم، که این نکته خود بیانگر تعارض و تباین ذاتی میان این نوشته با دیگر آثاری است که تاریخ کلیسا را در ظرف زمانی و مکانی مبتنی بر تقدم و ترقی تاریخی مورد مطالعه قرار می‌دهند.

سعی نگارنده در این نوشته این بوده که به قدر طاقت از این نحو اخیر مطالعه تاریخی بگذرد و به بازخوانی صورت‌شناسانه تاریخ کلیسا بپردازد و به راهی جدای از مفسران متدین و ملحد مسیحیت دنیوی شده جدید برود و در چاله هرز غریزدگی و تفسیر اومانستی نیفتد^۱، و تمام جریانات را از طوری ورای طور متداول تاریخ جدید بنگرد.

۱. در مباحث آتی ملاحظه خواهد شد که چگونگی مؤمنان مسیحی نیز به چاله هرز غریزدگی و اومانسم فرو افتاده‌اند. علی‌الخصوص در قرون اخیر که غریزدگی و تفسیر اومانستی مفاهیم انجیلی به وضوح در اسناد واتیکان (و جریانهای خارج از کلیسای کاتولیک) به چشم می‌خورد. در یکی از آخرین اسناد واتیکان که ردیه بر تعلیمات الهیات‌رهای بخش است، تحت عنوان «تعلیم آزادی و رهایی در مسیحیت»، تمام مفاهیم انجیلی از جمله آزادی و رهایی با پیشرفت و ترقی و تکامل قرن هجدهم که قرن منوال‌فکران فراماسون است، حقیقتی واحد انگاشته شده است. در این سند نهضت رهایی‌بخش، به معنی اعم، اخذ شده است. رجوع شود به تعلیم آزادی و رهایی در مسیحیت، ترجمه جزوهای از جماعت آموزش ایمان واتیکان نوشته ژوزف کاردینال رابرتزنگر. ریاست این جماعت به تصویب پاپ ژان پل دوم در مارس ۱۹۸۶ رسیده است.

درآمد:

چهار صورت تاریخی

طرح مباحث صورت شناسی تاریخی و فرهنگی در دهه‌های اخیر که سعی در شناسایی صورت نوعیه و حقیقت فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و تفکیک ادوار و اکوار تاریخی و فرهنگی دارد، از متداولترین جریانات فلسفه و حکمت تاریخ و کلاً علوم اجتماعی است. البته تفسیر و شناسایی فرهنگ‌ها بر اساس صور نوعیه تاریخی اختصاص به دوره جدید ندارد و انجایی از آن در فرهنگ‌های عتیق و آثار و آراء متفکران اعصار گذشته مطرح بوده است.

از اینجا می‌توان به متفکران و عرفای اسلامی چون «ابن عربی» اشاره کرد که به طرح بحث اسماء در ادوار تاریخی پرداخته و اسماء الله را چون صور نوعیه برای شرایع و مداین نبوی مدار بحث قرار داده است. بعضی از متفکران و حکیمان مسیحی چون «سنت آگوستین» را نیز که طرح مدینه خدا و شیطان کرده و صور نوعیه را به این دو قسمت نموده، می‌توان از طراحان نحوی از صورت شناسی تاریخی (به معنی شناسایی حقیقت اشیاء و امور) دانست که در اصطلاح علمای علوم اجتماعی و فلاسفه جدید به مورفولوژی (Morphology)، آرکئولوژی (Archeology) و تیپولوژی (Typology) تعبیر شده است. بسیاری از متفکران معاصر با قائل

شدن به تباین ذاتی میان ادوار و اکوار اصالت صور نوعیه تاریخی را به عنوان موضوع و مدار فرهنگ در هر دوره تاریخی و فرهنگی پذیرفته‌اند. مطابق نظر بسیاری از این متفکران می‌توان چهار دوره تاریخی در زندگانی بشر غربی و حتی تاریخ جهان مشاهده نمود.

این چهار دوره با توجه به معارف دینی و غیر دینی (ملل و نحل) عبارتند از:

دوره اول یا دوران ماقبل یونانی (ربانی) که در آن تفکر معنوی و شهودی غالب است. این دوره خود به دو دوره فرعی قسمت می‌شود:

الف. دوره دین و کتب آسمانی و عصر توحید

ب. دوره میتولوژی و پلی‌تئیس (چند خداانگاری)، عصری که بشر، خدایان متعددی را می‌پرستد، و متوجه ارباب انواع می‌شود.

دوره دوم یا دوران یونانی - رومی که در آن تفکر حصولی و منطقی متافیزیک و فلسفی غالب است و به «کاسموساتریسم» (جهان‌مداری) تعبیر شده، مسیحیان این دوره را با دوره پلی‌تئیس به پاگانیزم تعبیر کرده‌اند. در این دوره بشر به جای خدا یا خدایان به عالم واقع اصالت داده و اولین گرایش صرف به حیات دنیوی و این جهانی کردن دین و در فرهنگ پیدا می‌شود. معارف و مآثورات این دوره به نام کاسمولوژیسم موسوم شده است.

دوره سوم یا دوره تئیس (خداانگاری) که در آن خدای واحد مورد پرستش قرار گرفته و مجدداً موضوع تفکر بشری می‌شود و گرایش به حیات دنیوی مورد تحدید و تکفیر و تفسیق قرار می‌گیرد؛ زندگی به صورت دینی درمی‌آید و توجه به آخرت و آن جهان از مسائل اساسی انسان مسیحی است.

دوره چهارم یا دوره اومانیزم (بشر‌مداری) که در آن انسان دایرمدار عالم

انگاشته می‌شود و گرایش به فرهنگ صرفاً دنیوی به صورتی مضاعف پیدا می‌شود.

با توجه به مراتب فوق، قدر مسلم این است که مفاهیم تاریخی مبتنی بر صور نوعیه تاریخی است و از اینجاست که غفلت از صور نوعیه ادوار تاریخی منجر به غفلت از حقیقت تاریخی هر فرهنگ، از جمله فرهنگ عیسوی می‌شود و طرح مقدماتی صورت‌شناسی در این نوشته نیز رجوع به این جهت دارد^۱.

حال با توجه به مراتب فوق در باب ادوار تاریخی، تحولات تاریخ فرهنگ کلیسا که در سه دوره از ادوار چهارگانه تاریخ غرب تکوین یافته در نسبت با صور نوعیه تاریخی چه وضعی پیدا می‌کند؟ برای روشنی این پرسش اکنون به مطالعه مسیحیت در سه دوره پاگانیزم یونانی- رومی، تثلیث قرون وسطی و اومانیزم جدید، به طرح تاریخ تحولات کلیسای مسیح در ادوار تاریخی می‌پردازیم.

۱. پس از بررسی تاریخ کلیسا در ادوار تاریخی و پرداختن به حوادث به مثابه مقدمات اجمالاً به نسبت میان صورت نوعیه و ماده تاریخی خواهیم پرداخت تا بحث از دیدگاه صورت‌شناسی تاریخی روشن شود. نکته دیگر آنکه این کتاب مقدمه کتاب دو جلدی سیر حکمت و هنر مسیحی از عصر ایمان تا عصر خرد است.